

چندوچون یک اتفاق بزرگ در خصوصی‌سازی اقتصادی کشور | واگذاری "شستا" فروش فرش زیر پا یا ایجاد شفافیت؟



«یک گام به جلو»: این جمله شاه کلید توصیف مدیریت استراتژیک در یک بنگاه اقتصادی است. برای ابره‌لدینگ که ۱۰ درصد از سهامش را آخرین روز کاری هفته ای که گذشت، در بورس واگذار کرد، این جمله می‌تواند حسن ختام تمام حرف و حدیث‌هایی باشد که حول و حوش این واگذاری طی یک هفته اخیر شنیده شد.

خاطره وطن خواه: شستا یا همان شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی که امسال وارد سی و چهارمین سال فعالیت خود می‌شود، اواخر هفته گذشته ۱۰ درصد از سهامش را در بورس عرضه کرد. وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی و مقامات این سازمان هدف اصلی از این واگذاری را کمک به افزایش شفافیت و نظارت مردمی در شستا اعلام کردند و در مقابل گروهی هم عنوان می‌کردند که این واگذاری که به عنوان بزرگترین واگذاری در تاریخ بورس ایران از آن یاد می‌شود، برای این ابره‌لدینگ و البته خریداران سهام آن در بلند مدت مشکل ساز خواهد شد.

این روزها سئوالات متعددی درباره این واگذاری مطرح است. اینکه، آیا واگذاری ۱۰ درصد سهام شستا واقعا به زیان خریداران است و به زودی همین سرمایه اندک خود را از دست می دهند؟ دولت راسا اجازه فروش سهام شستا را در بورس نداشته، چون حق کارگران و بیمه گذاران را فروخته است؟ یا دولت با کسری بودجه مواجه است و ناچار اقدام به این واگذاری کرده است؟ اینها نمونه سوالاتی است که در روزهای گذشته در شبکه های اجتماعی مطرح شد و متعاقب آن البته پاسخ هایی که از سوی مقامات دولتی دو نهاد منتفع ارایه شد که بنظر می رسد برخی ابهامات همچنان باقی است.

واقعیت این است که سرعت اجرای این تصمیم سبب شد تا ابهامات بسیاری در خصوص این واگذاری، باید و نبایدهای آن باقی بماند. هرچند باید امیدوار بود که طی روزهای گذشته، پاسخ های روشن تری از سوی مسئولان شستا به افکار عمومی داده شود که چه هدفی را از این واگذاری با این سرعت دنبال کردند و چه برنامه هایی در آینده در دستور کار دارند.



حراج فرش زیرپا یا سرمایه گذاری؟

یکی از شروط اصلی پذیرش یک شرکت در بورس براساس قانون بازار سرمایه، بدهکار نبودن آن شرکت به سازمان مالیاتی و یا نداشتن وثایق سنگین نزد بانکهاست. مرحله بعد ارایه امیدنامه و صورتهای مالی حسابرسی شده براساس زمان بندی اعلام شده در بورس، برنامه کسب و کار ((Business Plan برای سه سال آینده و سایر موارد تخصصی مرتبط با شرکت متقاضی برای پذیرش در تابلو بورس است. تا اینجای کار یکی از ابهامات مطرح شده از سوی برخی افراد که عنوان می کردند، شستا زیان ده است، با پذیرش در بورس پاسخ داده شده است.

برخی فعالان اقتصادی مثل پدram سلطانی معاون پیشین اتاق تهران اخیرا در توییتتر نوشته بود: «برای ثبت در تاریخ می نویسم. عرضه سهام شستا فروش فرش زیرپای تامین اجتماعی کشور است. از سرنادانی، اضطراب یا بی مسئولیتی، از هر چه باشد یک ظهم به کارگر و کارفرما و یک خیانت در امانتی است که آنها نزد دولت داشتند. پول می خواهید؟ سهام زیر مجموعه ها را بفروشید!»

امروزه یکی از شیوه های تامین سرمایه بنگاه ها، عرضه سهام در بورس است. بجز ابزارهای مالی دیگر مثل اوراق قرضه یا بازار ارز که کارکردهای مشخصی در بازارهای مالی دنیا در جهت تامین نیاز بنگاههای اقتصادی دارند، از این ابزارها در اقتصاد ایران کمتر مورد استفاده قرار گرفته که البته دلیل عمده آن وابستگی اقتصاد ایران به نفت بوده است.

در سالهای اخیر، تحریم ها این فرصت را پیش روی دولت قرار داده که بدون درآمد نفت دخل و خرج کند و به سایر ابزارهای تامین مالی همانند رویه ای که در اقتصادهای دنیا اجرایی می شود، روی بیاورد. موضوعی که به اعتقاد بسیاری از کارشناسان اقتصادی می تواند منجر به شفافیت و پاسخگویی بیشتر این دولت و دولت های بعدی نسبت به اموال عمومی شود.

اگر فروش ۱۰ درصد از سهام تامین اجتماعی در بورس مبنای پیروی از همین رویه در نظر گرفته شود و سپس با احتساب امیدنامه و برنامه کسب و کاری که شستا هنگام اعلام درخواست خود به بورس ارایه کرده جمع بسته شود، روشن می شود که فروش ۱۰ درصد از مجموع ۱۰۰ هزار میلیارد تومان سرمایه این شرکت در واقع رقم چندان بزرگی نیست و نمی توان تعبیر «فروش فرش زیرپای کارگران» را برای آن بکار برد. ضمن اینکه مأموریت اصلی سازمان تامین اجتماعی در اصل صیانت از حقوق بیمه شدگان است که این اقدام درست در همین راستا انجام

شده است. یعنی تامین مالی برای طرح های توسعه ای که این سازمان حداقل برای سه سال آینده برنامه آن را به بورس ارائه کرده است.

نکته انحرافی که در لابلای نقدهای مطرح شده در شبکه های اجتماعی از جمله توییتر مورد توجه قرار می گیرد، فروش شستا برای جبران کسری بودجه دولت است. این در حالی است که شستا هلدینگ زیرمجموعه سازمان تامین اجتماعی به عنوان یک نهاد عمومی است و نه شرکت دولتی؛ بنابراین قانونا دولت نمی تواند آن را بفروشد و از درآمدش برای کسری استفاده کند. از سویی فروش ۱۰ درصد سهام شستا، معادل ۷ هزار میلیارد تومان حتی ۳ درصد از کسری بودجه دولت را جبران نمی کند و قاعدتا دولت می تواند از ابزارهای دیگری مثل انتشار اوراق قرضه برای جبران کسری بودجه خود بهره بگیرد که کارایی بیشتری دارند.

اطلاع نداری، سرمایه گذاری نکن!

رشد شاخص بورس ایران این روزها هر روزش خیره کننده شده است. از تشکیل صف های طولانی برای گرفتن کد معاملاتی توسط مردم گرفته تا سودهای سه رقمی بر مبنای درصد که توجه خیلی ها را برای سرمایه گذاری در این بازار جلب کرده است.

البته این انتقاد را نمی توان نادیده گرفت که ورود به بازار سرمایه، نیازمند دانش و مهارت های فنی است، اما برای رشد این بازار در اندازه های اقتصاد ایران هنوز جای کار بسیاری وجود دارد. از همین رو، ورود ابرهلدینگ هایی مثل شستا به بورس علاوه بر آنکه جایگاه بورس را در اقتصاد ایران تقویت می کنند، بلکه موجب می شوند که فرآیند تشکیل سرمایه در اقتصادی که با تحریم ها دست و پنجه نرم می کند، سرعت بگیرد.

مزیت دیگری که واگذاری هایی مثل شستا در اقتصاد دارند، کمک به شفافیت بیشتر عملکرد شرکتها و زیر ذره بین قرار گرفتن عملکرد مدیران آنهاست. موضوعی که در سالهای گذشته خواسته مردم بوده است. در عین حال که تسریع در اینگونه واگذاری ها در بورس سبب می شود که میزان پاسخگویی از سوی نهادها و شرکت های دولتی که سهامشان را در بورس عرضه می کنند، بیشتر شود و در بلند مدت به لحاظ اقتصاد سیاسی یک گام به جلوست.

در عین حال باید در نظر داشت که اگرچه بازارهای مالی در تامین منابع مالی از طریق پس اندازهای کوچک و بزرگ نقش مهمی داشته و

موجب هدایت منابع مالی به سوی مصارف و نیازهای سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد اقتصادی می‌شوند، اما حتماً تازه واردها به بورس باید این توصیه وان بافت سرمایه‌گذار معروف آمریکایی را مدنظر قرار دهند که: «هرگز در کسب و کاری که آن را درک نمی‌کنید سرمایه‌گذاری نکنید.»